

فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ ایران اسلامی

سال اول - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۱

تحلیلی بر اندیشه‌های اقتصادی میرزاملکم خان در راستای توسعه و تجددخواهی ایران*

محمدشورمیج
استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده

میرزاملکم خان بدون شک از روشنفکران تجددخواه و نوگرا در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران بوده است. در مورد تأثیر مثبت یا منفی افکار میرزاملکم خان تاکنون توسط پژوهشگران بزرگ نظرات بسیاری داده شده است. این پژوهش بر آن است تا با استناد به نظرات ملکم خان و کتبی که گزارش مستقیم به نظرات ملکم خان دارد، اندیشه‌های اقتصادی وی را به بوته نقد بکشاند و نتایج مثبت و منفی افکار ملکم خان را در توسعه و تجددخواهی ایران از جنبه اقتصادی بررسی کند. به عبارتی بیان کند که آیا افکار میرزاملکم خان بیشتر در جهت توسعه، رشد و خدمت به اقتصاد و سیاست ایران بوده است یا برعکس در جهت خدمت به استعمار و قدرت‌های بزرگ.

یافته تحقیق نشان می‌دهد که در زمینه اقتصادی، وی به سرمایه‌گذاری خصوصی، اقتصاد آزاد و رقابت باز تجاری و تشکیل بانک در توسعه اقتصادی کشور معتقد بود. در حالی که شرایط اقتصادی ایران، با چنین تفکرات باز اقتصادی لیبرالیسم سازگار نبود و در نهایت به ضرر صنایع ملی و بومی ایران و به نفع استعمار انگلیس و کشورهای پیشرفته طرفدار این اقتصاد تمام می‌شد.

واژگان کلیدی

میرزاملکم خان، تجددخواهی، اندیشه اقتصادی، ایران.

* - تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۱۶ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

مقدمه

میرزا ملکم خان برای تمام پژوهشگران ایرانی چهره بسیار آشنایی است. بی‌گمان میرزاملکم‌خان‌ارمنی در دورانی که ایران، از غرب و جهان خارج خود الگو می‌گرفت، در تجددخواهی و نوگرایی سیاسی، اقتصادی ایران نقش مهم بازی کرد. در اینکه نقش او در این روند تجددخواهی و الگوی ترقی، مثبت یا منفی بوده، سخنان بسیار گفته شده است. به هر حال میرزا ملکم خان ارمنی از معدود کسانی است که از نظر شخصیت فردی، نقش اجتماعی و فکری، جلوه‌های مختلف و متناقض از خود بروز داده است، لذا علل اصلی اختلاف نظر شدید و عمیق پژوهشگران درباره‌ی او از همین موضوع نشأت گرفته است.

در زمینه پیشینه تحقیق مذکور باید متذکر شد، کتب و مقالات بسیاری درباره‌ی شخصیت، افکار و آراء سیاسی و اقتصادی، نقش فرهنگی و اجتماعی ملکم خان به نگارش درآمده است و هر کدام به ابعادی از اندیشه‌ها، نقش اجتماعی و عملکرد شخصی او به درست یا غلط، علمی یا غیرعلمی پرداخته‌اند. اکثر آثار نوشته شده درباره ملکم خان، بیشتر به جنبه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی وی پرداخته شده و تفکر اقتصادی ملکم خان به اندازه تفکر سیاسی اش مورد توجه و بوته نقد قرار نگرفته است. اما باید توجه کرد که ملکم از طراحان نظرات اقتصادی عصر ناصری بوده و تأثیرات تفکر اقتصادی کمتری از سیاسی نبوده است اما از آن جا که بیشتر بحث‌های سیاسی در نوشته‌های پیشینیان مدنظر بوده، به همین خاطر در بررسی ملکم خان محققین این جنبه را بیشتر مدنظر قرار دادند.

نویسندگان و پژوهشگران معاصر همچون هما ناطق، فرشته نورایی به طور مستقل درباره ملکم خان کتاب نوشته و بسیار مفصل و خوب افکار سیاسی و شخصیت ملکم را مورد بررسی قرار دادند و در کنار آن به اندیشه‌های اقتصادی وی نیز پرداخته‌اند که در این پژوهش به آنها اشاره شده است. علاوه بر این افراد، محققینی چون فریدون آدمیت و سید جواد طباطبایی درباره اندیشه‌های ملکم خان به ویژه در زمینه سیاسی مباحث خوب و جالبی مطرح کرده‌اند ولی باز هم در مورد تفکر اقتصادی وی کمتر پرداخته‌اند، هرچند آدمیت از این حیث مستثنی است و در کتاب اندیشه ترقی و حکومت قانونی عصر سیهسالار به تفکر اقتصادی ملکم و نقش وی در طرح‌های اقتصادی وزارت سیهسالار اشارات خوبی داشته‌اند.

در دوره متأخرتر نیز برخی پژوهشگران به بررسی شخصیت و تفکرات میرزاملکم خان پرداخته‌اند که این افراد نیز بیشتر به زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملکم خان پرداخته و کمتر درباره‌ی تفکر اقتصادی‌اش بحث کرده‌اند و نوشته‌های آنها نیز ادامه همان بحث‌های سیاسی نویسندگان قبلی است ولی در نوشتار خود سعی کردند با استفاده از روش جدید در نگارش علم تاریخ و با کمک گرفتن از علوم معینی چون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و فلسفه، به مطالب خود رنگ علمی بدهند. داریوش رحمانیان در کتاب تفکر سیاسی در دوره قاجاریه و علت شناسی انحطاط ایرانیان و مسلمین؛ همچنین در مقاله «میرزاملکم خان و سیاست مدرن» بسیار خوب به بازشناسی اندیشه‌های

سیاسی ملکم خان پرداخته و آن را با اندیشه‌های جدید اروپا در آن عصر مقایسه کرده است. ایشان در این راستا نیز بحث‌های در زمینه تفکر اقتصادیش مطرح کرده ولی کمتر از مسائل سیاسی به آن اهمیت داده است.

محمد علی اکبری در آثار پیشگامان اندیشه جدید در ایران؛ و چالش‌های عصر مدرن در ایران عصر قاجار؛ به بررسی تفکر سیاسی ملکم خان پرداخته و بحث‌های خوبی دارد. وی نیز کمتر به تفکر اقتصادی ملکم خان پرداخته است. قباد منصوربخت نیز در مقاله‌ی «زمینه‌های فکری مشروطیت راهکار جدید در سیاست، تفکر یا توهم، موردی ملکم خان» به بررسی افکار سیاسی ملکم خان پرداخته است.

در بین نویسندگان حوزه فلسفه، کریم مجتهدی در مقالات خود درباره شخصیت ملکم خان و افکار سیاسی و اقتصادی اش بحث‌های خوبی ارائه داده است ولی در اکثر مباحث و تحلیل‌های وی جنبه‌های شخصیتی و سیاسی غالب بر تفکرات اقتصادی ملکم خان بوده است. در حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی حسن قاضی مرادی در کتاب ملکم خان نظریه پرداز نوسازی سیاسی در عصر مشروطه و جواد طباطبایی در آثارش از جمله مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی، از تفکرات سیاسی ملکم خان بحث‌های مفصلی ارائه دادند ولی آنها نیز کمتر به تفکر اقتصادی ملکم خان پرداخته‌اند.

در این پژوهش سعی شده است افکار اقتصادی ملکم خان با استفاده از نظرات محققین بررسی و به‌بوته نقد گذاشته شود تا برای خوانندگان گوشه‌ای از عملکرد این شخص روشن شود.

سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱- تفکرات اقتصادی میرزاملکم خان از چه منشأیی سرچشمه می‌گرفت؟

۲- آیا تفکرات اقتصادی ملکم خان در رشد و ترقی اقتصادی ایران مؤثر بوده است؟
فرضیه‌های عمده پژوهش عبارتند از:

- چنین به نظر می‌رسد تفکرات اقتصادی میرزاملکم خان متأثر از تفکر لیبرالیسم اقتصادی غرب بود.

- تفکرات اقتصادی میرزاملکم خان در اصلاحات عصر ناصری بخصوص در زمان صدارت سپهسالار تأثیرگذار بوده است.

در این پژوهش با استناد به نوشته‌های ملکم خان و منابعی که از نوشته‌های وی نقل و قول مستقیم کرده‌اند و همچنین با بررسی نظرات پژوهشگران معروف در مورد افکار میرزاملکم خان، به سؤالات بالا با روش کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی پاسخ داده می‌شود.

۱- مروری بر زندگی ملکم خان ارمنی

میرزا ملکم خان در سال ۱۲۴۹ هـ.ق در جلفای اصفهان متولد و فرزند میرزا یعقوب ارمنی بود

(ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۷؛ رضوانی، ۱۳۵۶: ۱۴). میرزاملکم خان در ده سالگی به پاریس رفت و در مدرسه پلی تکنیک، انواع علوم، بخصوص علوم طبیعی و ریاضی را آموخت و با مکاتب فکری اندیشمندان فرانسه آشنا شد (ناظم الاسلام، همان: ۱۱۷؛ نورایی، ۱۳۵۲: ۱۲).

در سال ۱۲۶۷ هـ.ق، ملکم پس از اتمام تحصیلات به ایران آمد و به عنوان مترجم استادان اروپایی و برای تدریس درس جغرافیا و علوم مقدماتی وارد دارالفنون شد و به قول اعتماد السلطنه «در غالب فضایل مشرق زمینی و اروپایی مقام استادی داشت...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۶). ملکم خان برای اینکه مشکلی در کسب شغل در ایران نداشته باشد به مانند پدر به اسلام گروید (وحدت، ۱۳۸۲: ۶۱).

میرزاملکم خان در عصر ناصری به اقتباس از تنظیمات عثمانی، رساله‌ای به نام «کتابچه غیبی» یا دفتر تنظیمات نوشت و به وسیله جعفرخان مشیرالدوله به نزد شاه فرستاد تا اصلاحات دولتی را انجام دهد (حائری، ۱۳۶۴: ۴۰). ملکم برای اینکه زمینه فکری عموم را برای طرح جدیدش آماده کند، به تقلید از اصول فرماسونری فرانسه، فراموشخانه دایر کرد اما موفق نشد (آدمیت، ۱۳۵۶: ۵-۶۴؛ الگار، ۱۳۶۹ (الف): ۴-۲۸۳). عمده ترین علل انحلال فراموشخانه ملکم خان عبارتند از: مخالفت علمای دینی با تفکرات ضد دینی و مغایر اسلام ملکم؛ مخالفت کسانی که از نفوذ ملکم در دربار شاه احساس وحشت داشتند؛ اتهام اعضای فراموشخانه به طرفداری از بابی ها و در نهایت تحریک شاه توسط روسها (الگار، ۱۳۶۹: ۴-۴۳ و ۹-۴۸؛ حائری، ۱۳۶۸: ۴۹).

ملکم از طریق جامعه آدمیت که توسط عباسقلی قزوینی (آدمیت) و به دستور وی ایجاد شده بود، کار خود را دنبال کرد؛ اما با شکست مواجه شد و به بغداد و استانبول رفت (الگار، ۱۳۶۹: ۲۳۷). ملکم خان در استانبول با پیشروان اصلاحات عثمانی و مشروطه خواهان آنجا مانند کمال پاشا، عالی پاشا و فواد پاشا تماس داشت (حائری، ۱۳۶۴: ۴۱). ملکم خان، رساله «رفیق و وزیر» و «مبدأ ترقی و شیخ و وزیر» را تحت تأثیر آخوندزاده، در همین زمان نوشت و جالب اینکه دوباره مسیحی شد (محیط طباطبایی، ۱۳۳۷: ی).

میرزاملکم خان مدتی در استانبول و مصر بود و زمانی که میرزاحسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) به صدارت رسید، منصب مستشار صدارت اعظمی را گرفت. در این زمان رساله «تنظیمات حسنه» را نوشت و برای اجرای آن تقدیم صدراعظم کرد که اولین طرح مجلس شورا بود.

بعد از اینکه در کنگره برلن توانست وسیله تخلیه قطور از عثمانی را فراهم کند، لقب ناظم الدوله و پرنس گرفت و به مقام سفارت کبری رسید (ناظم الاسلام، همان: ۱۱۸). همچنین ملکم در واگذاری امتیاز رویت نقش داشته و بعد از اخذ امتیاز لاتاری (قرعه، بخت آزمایی) و اعتراض علما، به حیثیت او لطمه شدیدی وارد و از کلیه مقام دولتی عزل شد. بدنبال آن، ملکم در لندن، با انتشار قانون از حیثیت خود دفاع و به دشمن خود یعنی علی اصغر خان اتابک و شاه حمله کرد (رائین، ۱۳۵۳: ۱۱۰-۱۰۹؛ نورایی، همان: ۲۵؛ آجودانی، ۱۳۸۲: ۷-۳۰۵). در اینجا با سیدجمال اسدآبادی آشنا

شد (امین الدوله، ۱۳۷۰: ۱۴۳) و تحت تأثیر سید جمال، در این زمان از رهبری روحانیون و نقش دین حرف می‌زند. علاوه بر آن با میرزا آقاخان کرمانی ازلی بابتی مسلک دوست می‌شود و تحت تأثیر برخی از تفکراتش قرار می‌گیرد (آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۸). لذا با معجونی از تفکرات روبه رو می‌شود و حرف‌های از روی مصلحت در زمینه‌ی نقش دین و روحانیون می‌زند.

میرزاملکم خان در اواخر عمر در مقام سفارت ایران در رُم (۱۸۹۸-۱۹۰۸ م) بوده که در سال ۱۹۰۸ م/ ۱۳۲۶ هـ ق در شهر لوزان سوئیس در گذشت. احتمالاً دوباره تغییر دین داده بود، چون که برطبق وصیتش جسد او را سوزانیدند. لذا از لحاظ عقیدتی، چندان پای بند به دین خاصی نبود و به مقتضیات زندگی‌اش مسلمان و مسیحی می‌شد (الگار، ۱۳۶۹: ۱۲ و ۱۴).

۲- تأملی بر تفکر سیاسی ملکم خان ارمنی به عنوان مقدمه‌ای بر شناخت تفکر اقتصادیش
ملکم خان در فرانسه با مکاتب سیاسی آنجا بخصوص آگوست کنت، سن سیمون و منتسکیو آشنا شد. علاوه بر آن، در باب آزادی از استوارت میل و در زمینه فلسفه قانون‌گذاری از منتسکیو متأثر و همچنین تحت تأثیر تفکرات عصر روشنگری قرن هیجدهم فرانسه و معتقدان به فلسفه ترقی و لیبرالیسم قرن نوزدهم اروپا بود.

میرزاملکم خان در رساله دفتر تنظیمات، نخستین طرح قانون اساسی را به شاه عرضه می‌کند و در این راستا تحت تأثیر انقلاب فرانسه بود. وی برای اصلاح سیاست، اصول نظم غربی را پیشنهاد می‌کند. درباره قانون، معتقد است، قانون باید اراده شاهنشاه و متضمن صلاح عامه خلق باشد (آدمیت، ۱۳۵۶: ۳۱). حقوق ملت را از منشور حقوق بشر و قانون اساسی فرانسه گرفته بود.

ملکم خان در مجلس تنظیمات پیشنهاد می‌کند، کل احکام شرعی و دولتی که متعلق به امور مملکتداری است، جمع کرده و به واسطه شروط قانونیت جزو قوانین دولت خواهد ساخت (همان: ۳۲). وی شرط قانونیت شرعی را منوط به تصویب دستگاه قانون‌گزار مملکتی مطرح می‌کند (همان‌جا). در همین کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات، به پیروی از منتسکیو، از انواع حکومت (جمهوری، سلطنتی مطلقه، سلطنتی معتدل) صحبت می‌کند (رحمانیان، ۱۳۸۸: ۷۶). وی قانون موضوعه‌ی مجلس پیشنهادی آرمانی خود را مبنای مشروعیت سلطنت می‌داند و به نوعی حق الهی سلطنت را زیر سؤال می‌برد (همان: ۸-۷۷).

سازمان فراموشخانه‌ی که میرزاملکم خان تأسیس کرده بود، در واقع معجونی از اصالت عقل، مشرب انسانیت، فلسفه علمی تحقیقی و اصول اعلامیه حقوق بشر بود. ملکم در این زمینه کاملاً تحت تأثیر فلسفه آگوست کنت بود (آدمیت، ۱۳۵۶: ۵-۶۴).

میرزا ملکم خان در روزنامه قانون می‌کوشد، نشان دهد که اخذ و اقتباس الگوی سیاست جدید تمدن غرب نه تنها منافعی با اسلام و شریعت ندارد بلکه همانا پیروی از شریعت حقیقی اسلامی، تلاش در احیای آن و علاج دردهای جامعه مسلمانان است (رحمانیان، ۱۳۸۸: ۸۰).

ملکم در شماره نهم قانون می‌نویسد: «همه این معایب ایران از عدم اجرای قوانین شریعت خداست و استخلاص این ملک ممکن نخواهد بود مگر به اجرای احکام الهی...» (ملکم خان، شماره

نهم قانون، ۱۳۶۹: ۱). در شماره بیست و ششم، علمای اسلام را اولین واعظان ترقی یاد می‌کند (ملکم خان، همان: شماره بیست و ششم: ۱). ملکم حتی مجمع آدمیت خود را که انجمن سیاسی برای ترویج اندیشه‌های جدید بود، تشکلی اسلامی معرفی می‌کند و «بهترین امنای آن»، را «بهترین علمای اسلام» (همان، شماره سیزدهم: ۴)، «میرزای شیرازی را رئیس کل آن» می‌داند (همان، شماره بیست و نهم: ۳).

در نتیجه باید گفت، ملکم گاهی اوقات تلاش می‌کرد، مفاهیم و آموزه های سیاسی مدرن را با اصول شریعت تطبیق دهد اما نمی‌توان مانند بعضی از پژوهشگران پذیرفت (ر.ک. رحمانیان، ۱۳۸۸: ۸۱ و ۷۳ و ۷۵) که وی همواره در تلفیق این آموزه ها بوده است. زیرا شرایط زمانی و موقعیت شخصی اش در مطرح کردن این آموزه های سیاسی مدرن تأثیرگذار بود. در نتیجه باید گفت ملکم دارای تفکر لیبرال و از اصلاح طلبان لیبرال متأثر از لیبرالیسم غربی سده نوزدهم بوده است. ملکم در ابتدا می‌پنداشت، با حرمت نهادن به مجتهدین و همسان دادن ارزش‌های اسلامی با غربی، می‌تواند اندیشه‌ی قانون خواهی و نظم را با موفقیت گسترش دهد. اما بعد از طی کردن حوادث‌های مختلف، به چرخش اساسی در تفکرش رو می‌آورد. داستان فضاحت بار «لاتاری» لکه ننگی در پرونده او بود و بی‌تردید در این امتیاز، انگیزه‌ای جز شخصی و منفعت‌پرستی نداشت. به دنبال آن ملکم با انتشار روزنامه قانون، در صدد انتقام جویی از امین السلطان و رژیم ایران برآمد (آجودانی، ۱۳۸۲: ۳۰۷؛ الگار، همان: ۵-۲۰۲).

شاید اگر ملکم خان از سفارت کبری ایران در لندن عزل نمی‌شد و رسوایی امتیاز لاتاری و حتی رویتر پیش نمی‌آمد، دست به انتشار «قانون» نمی‌زد. ملکم در دوره‌ای از سرمصلحت مدافع اصل تطابق تمدن غربی با اسلام بود و پس از مدتی باز از سر مصلحت، مروج اندیشه ایجاد دولت شرعی و مجلس شورا به رهبری مجتهدین شد. لذا نمی‌توان با این تفکر همگام شد که ملکم می‌خواست، ایرانیان با توجه به شرایط فکری خود صورت مشروطه یا آئین تمدن غربی جدید را بگیرند و روح اسلامی در آن بدمند. چون ملکم معتقد به اسلام نبود و هیچ وقت اصول اساسی حکومت مشروطه را به شکل منظمی پیشنهاد نکرد و هرگز واژه مشروطه را مانند مشروطه‌خواهان مصر، ترکیه و نوخواهان ایرانی مانند مستشارالدوله در نوشته‌های خود نیاورده است (حائری، همان: ۱۳۶۴). از سوی دیگر با یک برخورد جدی و آگاهانه، همراه با وفاداری عمیق به ارزش‌های فرهنگ اسلامی در مسائل تجددخواهی می‌توانست راه تجدید حیات کشور را فراهم نماید که برای چنین کاری، ملکم فاقد صلاحیت بود.

ملکم اساساً اعتقاد نداشت که مشرق زمین در راه ترقی اصول سیاست و خلق سیستم های سیاسی، مبدع ایده و عملی باشند. او مشرق زمین را مهد ادیان نه مکانی برای سیاست می‌دانست. به همین دلیل نتیجه می‌گرفت برای اصلاح حکومت باید از غرب الگو برداری کرد. در نتیجه مغالطه های ملکم در تفکر سیاسی آغاز سیاست زدگی در تاریخ معاصر ایران است.

۳- بررسی و تحلیل تفکر اقتصادی میرزاملکم خان

اصولاً اقتصاد صنعتی بر پایه دو عامل اصلی، یکی به کار انداختن و تولید سرمایه، دیگری به کار بستن دانش فنی قرار دارد. از نظر اقتصادی مسأله اصلی جوامع توسعه نیافته از جمله آسیایی این بود که از سرمایه علمی و فنی غرب، دانش صنعتی فرا گیرند و از سوی دیگر با کمک سرمایه داخلی، صنعت تولیدی به کار اندازد که در این سیر تحولی، دولت مسئولیت بزرگی داشته است (آدمیت، ۱۳۵۶: ۲۹۶).

اقتصاد داخلی ایران در عصر قاجاریه با دو پدیده اقتصادی خارجی یعنی سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت آزاد برخورد داشته است. در سر لوحه‌ی پیشرفت اقتصادی، تقریباً اکثر کشورهای آسیایی، به استفاده از سرمایه خارجی علاقمند بودند و بسیاری از هواداران رشد صنعتی از جمله ملکم خان ارمنی، طرفدارش بودند. اما نفس استفاده از سرمایه خارجی، ضامن رشد اقتصادی کشور سرمایه‌پذیر نیست و به خودی خود هم عامل قدرت اقتصادی آن نمی‌باشد. از نظر عملی و تجربه عینی نیز سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مانند مصر، عثمانی و ایران به حقوق حاکمیت آنها ضربه‌های سخت زد و بر نفوذ اقتصادی و سیاسی دولت‌های سرمایه‌گذار افزود.

از سوی دیگر کشوری مانند ایران پیش از آنکه به فکر ترقی اقتصادی بیفتد، تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب قرار گرفته بود و تجارت آزاد و امتیازات بازرگانی به زیانش شد. به همین جهت دولتمرد مصلح و متعهدی چون «قائم مقام» جلوی گسترش تجارت آزاد را گرفت و بزرگمرد آگاهی مانند «امیرکبیر» تجارت آزاد را بر هم زد و اقتصاد صنعتی ملی را ایجاد کرد.

علاوه بر اینها، دوره ی پانزده سال پایانی قرن نوزدهم و سال‌های آغازین قرن بیستم، دوره لیبرالیسم را شامل می‌شود. در این سال‌ها به نشانه‌های تاریخی زیادی در زمینه لیبرالیسم اقتصادی می‌توان اشاره داشت. از جمله این که بخش خصوصی مبتکر نوآوری‌های زیادی در عرصه اقتصاد شد و پیشنهاد راه‌اندازی بانک می‌دهد. حاکمیت را تشویق به پذیرش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصاد می‌کند و چون چهره خوبی از جهان خارج دارد، حاکمیت را تشویق به سرمایه‌گذاری خارجی می‌کند. در ایران چهره‌های مطرحی مثل امین‌الضرب، صنیع‌الدوله و میرزا ملکم خان از این دست افراد هستند. در این میان میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله که روشنفکری آزادی خواه بود و مسافرت‌های زیادی به کشورهای اروپایی داشت، با نگارش رساله اصول ترقی در سال ۱۸۷۵ میلادی، راهکارهایی به ناصرالدین شاه پیشنهاد داد که از نظر تاریخی بسیار قابل توجه است.

در این دوره، با شکست دولت ایران از دولت‌های روس و انگلیس که منجر به جریحه دار شدن احساسات ایرانی‌ها شد، مردم متوجه عقب ماندگی کشور خود شدند. این نکته مدام از سوی روشنفکران و فرنگ رفته‌ها مطرح می‌شد و انتقاد از حاکمیت افزایش یافته بود. یکی از راه‌هایی که می‌توانست اقتدار را به کشور بازگرداند، تشکیل ارتشی قدرتمند بود که این کار هم نیاز به منابع مالی داشت و دولت چنین منبعی در اختیار نداشت. بنابراین طبیعی بود دولت روی مالیات به عنوان تنها منبع درآمد متمرکز شود اما موضوع این بود که دولت توانایی ایجاد فضای امن برای رونق

سرمایه‌گذاری را نداشت و نمی‌توانست حقوق مالکیت بخش خصوصی را تضمین کند. درعین حال از تأمین سرمایه لازم برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی عاجز بود و این امکان فراهم نبود که برای افزایش تولید، سرمایه و تکنولوژی فراهم کند. گذشته از آن مردم ایران در این دوره از فقر مفرط رنج می‌بردند و نظام حاکم برای رهایی از چنین شرایطی، نیاز به سرمایه‌های کلان داشت.

به این ترتیب روشنفکران و صاحبان اندیشه به دولت پیشنهاد می‌کردند که به سرمایه‌گذاری خارجی متوسل شود. مصداق عینی این دوره که به خوبی گویای خواسته‌های متفکران آن دوره به شمار می‌رود، رساله «اصول ترقی» نوشته میرزا ملکم خان ناظم الدوله است که در سال ۱۸۷۵ در لندن و برای شخص ناصرالدین شاه نوشته شده است. میرزا ملکم خان در این نوشته به انتقاد از سیاست درهای بسته در سیاست و اقتصاد می‌پردازد و این نکته را یادآور می‌شود که چنین نگرش‌هایی حاصل از ناآگاهی است. ملکم خان دلیل می‌آورد که کشورهای اروپایی سایر ممالک را به این دلیل مستعمره خویش می‌سازند که آباد و پیشرفته کنند. او از انگلیس یاد می‌کند و می‌گوید هدف انگلیس از مستعمره سازی این است که برای محصولات خود بازار پیدا کند و درعین حال به دنبال ایجاد امنیت در آن کشورها نیز هست (رساله اصول ترقی، بی تا: ۱۶۹-۱۷۱).

ملکم خان ادامه می‌دهد که تنها راه نجات ایران، قرار گرفتن در جریان توسعه اقتصادی و داشتن تجارت گسترده با کشورهای غربی است. وی تأکید می‌کند اگر چنین اتفاقی رخ دهد، نباید نگران تجاوز کشورهای اروپایی بود؛ به این دلیل که شرکای تجاری ایران چنین اجازه‌ای نخواهند داد.

ملکم خان در نوشته‌اش به ناصرالدین شاه پیشنهاد ایجاد بانک می‌دهد و خواستار راه سازی از سوی دولت می‌شود و در نهایت پیشنهاد جلب سرمایه خارجی را مطرح می‌سازد. پیشنهاد‌های ملکم خان به ناصرالدین شاه که ترسیم کننده نوعی پارادایم برای اداره اقتصاد کشور است، این نکته را روشن می‌سازد که میرزا ملکم خان آگاهی اقتصادی داشته است و می‌توان حدس زد از آن جا که او به زبان انگلیسی تسلط داشته کتاب‌های «ثروت ملل» آدام اسمیت و «اصول اقتصادسیاسی» دیوید ریکاردو را مطالعه کرده باشد (مویدادخواه، <http://www.mehnameh.ir/article/645>).

مسئله دیگر اینکه، این تحولات اقتصادی جهانی با صادرات شخص تحصیل کرده ای چون «سپهسالار» صدراعظم ناصرالدین شاه همزمان بود. توجه به سرمایه‌گذاری خارجی، از طرح‌های قابل توجه در رشد اقتصادی این دوره بود. اما چگونگی استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی، برای وابسته نشدن به بیگانه مهم است که متأسفانه سپهسالار در این جنبه کمتر موفق بوده است.

سپهسالار تحت تأثیر تفکرات اقتصادی ملکم خان، توجه زیادی به سرمایه‌گذاری خارجی داشت. در زمینه دستگاه مالیه و بانک نیز تحت تأثیر تفکرات ملکم خان بود. ملکم خان به تجارت پول و اسباب آن یعنی بانک اهمیت بسیاری می‌داد و آن را لازمی رشد تجاری صنعتی می‌دانست (آدمیت، همان: ۳۰۳).

در زمینه توسعه راه و راه آهن نیز دولت سپهسالار تحت تأثیر اندیشه‌های ملکم خان بود. زیرا ملکم خان آن دو را عامل اصلی پیشرفت اقتصادی می‌دانست. انگیزه اصلی سپهسالار در واگذاری

امتیاز رویترا، این بود که با بکار انداختن سرمایه خارجی در جهت تحول اقتصادی کشور، اقدامی همه جانبه انجام دهد (همان: ۳۵۳)؛ این انگیزه نیز تحت القاءات تفکرات ملکم خان، مشاور اول صدر اعظم بود. اما نکته مهم این است که تفکرات اقتصادی ملکم همانند تفکرات سیاسی‌اش حلال مشکل اقتصادی ایران نبود بلکه زمینه را برای نفوذ اقتصادی سرمایه‌گذاران خارجی در ایران فراهم می‌کرد. به طوری که عملاً در قرارداد رویترا و قراردادهای بعدی، سرمایه‌گذاران قصد داشتند با کمترین پرداخت حق الامتیاز، بیشترین بهره را ببرند. لذا تأکید صرف بر سرمایه‌گذاری خارجی برای رشد کشور، سیاست درستی نبوده است.

میرزا ملکم خان مانع اصلی از درک وضعیت خرابی ایران را، غفلت و جهالت اولیای امور و بزرگان ایران می‌داند و راه حل آن را اخذ و اقتباس آئین تمدن فرنگی و علمی کردن مدیریت، نظام اداری و سیاسی مطرح می‌کند (رحمانیان، ۱۳۸۸: ۷۳). میرزا ملکم خان با ساده انگاری فکر می‌کرد، خیلی راحت می‌توان اصول نظم و ترقی غرب مثل تلگراف را وارد کرد. در حالی که ورود اینها در خود غرب نیز با شرایط و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی نوین و تحول در ساختار جامعه مدنی آنها میسر شد (همان: ۷۵). به نظر ملکم خان در ایران همیشه عقل بی‌علم به کار رفته و همین عامل، راه ترقی و پیشرفت را به روی مردم ایران بسته است. در واقع علت عدم ترقی را نتیجه جهل ایرانی‌ها می‌داند نه نتیجه طبیعت، ذات و نقص جنس ایرانی (مجتهدی، ۱۳۵۷، شماره ۱ و ۲: ۲۲؛ ناطق، ۱۳۵۵: ۲۲).

تفکر اقتصادی ملکم خان، همانند عقاید سیاسی‌اش، از فلسفه لیبرالیسم قرن نوزدهم سرچشمه می‌گرفت. وی به مالکیت شخصی و ابتکار اقتصاد فردی و سرمایه‌گذاری خصوصی همانند اصول مشروطیت دولت و حکومت قانون معتقد بود (نورایی، ۱۳۵۲: ۱۱۲). ملکم توصیه می‌کند که دولت باید مشوق و محرک اقتصادبخش خصوصی باشد و اصول عقاید ملکم، ساخته تئوری اقتصاد سیاسی است. ملکم در این راستا معتقد است، اگر شرایط سیاسی و اجتماعی کشور طوری باشد که افراد تشویق به جمع کردن سرمایه و جلب منفعت شوند، در نتیجه سرمایه‌ی تولیدی بیشتری جمع می‌شود و این سرمایه، برای ترقی جامعه به کار می‌افتد. ملکم در «رساله اصول ترقی» می‌گوید: «بدون تردید و معطلی باید استقلال دولت را بر آبادی ملک و آبادی ملک را بر اصول علم قرار بدهیم» (همان: ۸۴). ملکم قدرت دولت را در کثرت امتعه می‌بیند و تکثیر امتعه و تجارت آزاد را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند (همان جا).

به نظر ملکم خان توسعه یک کشور، رفاه مردم، قدرت دولت و منابع مالی، همگی بستگی به سطح تولید یک ملت دارد. عوامل تولید عبارتند از: منابع طبیعی، نیروی کار، سرمایه و دانش. برای افزایش تولید یک ملت، باید سخت کارکرد و تجارت را گسترش داد و همه علوم و اختراعات به طرف افزایش تولید هدایت شود (مویذ داد خواه، www.mehrnameh.ir/article/645).

بر پایه این اصول، ملکم خان پیشنهادات زیر را برای بهبود اقتصاد ارائه می‌کند. این پیشنهادات را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: یک قسمت آنهایی است که کشور را برای توسعه تجاری و گسترش فعالیت‌های اقتصادی آماده می‌کند و دوم آنهایی که مربوط به عوامل تولید است.

در گروه اول ملکم خان چنین پیشنهاد می‌کند:

- ۱- ساختن جاده‌ها؛ تا بتوان کالاهای ایران را ارزان‌تر به بازار رساند.
 - ۲- پایان دادن به عوارض گمرکی داخلی و عوارض جاده‌ای
 - ۳- استاندارد کردن وزن و کیفیت سکه‌های ایرانی؛ تا این سکه‌ها برای تجارت مقبول باشد.
 - ۴- حفاظت از جان و مال مردم زیرا امنیت باعث خواهد شد که مردم خوب کار کنند.
 - ۵- ایجاد بنگاه‌ها و تصویب قوانین برای کمک به تأسیس شرکت‌ها؛ زیرا برای ساختن راه آهن و کارخانه‌ها ما نیاز به شرکت (کمپانی) داریم.
- ملکم خان اضافه می‌کند قوانین و سنت‌های ایران برای تأسیس شرکت‌ها ناکارآمد هستند و کمپانی‌ها باید از خارج آورده شود.

گروه دوم از نظرات وی عبارتند از:

- ۱- ساختن مدارس مدرن به بیشترین مقدار ممکن و فرستادن حداقل ۲۰۰ دانشجو برای تحصیل در خارج کشور به طور سالانه
- ۲- تأسیس بانک برای تحرک سرمایه. مشکل اصلی ایران کمبود سرمایه است. بانک قادر است پس‌اندازهای افراد ولو اندک را جمع‌آوری کند و به صورت سرمایه به تولیدکنندگان قرض دهد. هر شاخه از فعالیت‌های اقتصادی نیاز به بانک مخصوص به خود دارد.
- ۳- اگر سرمایه داخلی ناکافی است، باید از خارج جذب کنیم. اگر کشور نیاز به آهن دارد، باید آن را وارد کرد، وسیله واردات سرمایه، بانک‌ها هستند. همچنین شرکت‌های خارجی تنها در صورتی در ایران سرمایه‌گذاری خواهند کرد که از سودآوری آن در آینده مطمئن باشند (موید دادخواه، همان سایت).

لذا با این تفکرات می‌توان به طور قریب به یقین نتیجه گرفت که ملکم خان پیرو تفکر آزادی رقابت اقتصادی است. در این زمینه تحت تأثیر افکار سنت آدم اسمیت و جان استوارت میل در انگلستان و تا حدودی سنت منتسکیو یا ژان باتیست سی در فرانسه بود (مجتهدی، ۱۳۵۷، شماره ۳-۴: ۲۹۱؛ وحدت، ۱۳۸۲: ۶۱). ملکم به نوعی اولین لیبرال ایران و نماینده این طرز تفکر در کشور است. به نظر کریم مجتهدی، اصول نظری بینش کلی ملکم در تفکر آزادی رقابت اقتصادی قرار می‌گیرد. او تفکر اقتصاد آزاد را بدون طرح مشکلات آن از محدوده ملی فراتر می‌برد و با تعمیم آن در واقع می‌خواهد راه‌گریبان را به ایران باز کند و خود بهره‌شخصی بگیرد (مجتهدی: سایت تبیان).

ملکم خان، آرمان طبقه محافظه کار جامعه‌ی غربی را به عنوان ایدئولوژی انقلابی و پیشرو وارد ایران کرد. لیبرالیسم در مقابل حکومت استبدادی و خودکامه ایران می‌توانست پیشرو به حساب آید ولی با معیارهای اروپایی آن زمان، نشان دهنده‌ی نوعی افکار محافظه کار بود.

ملکم خان رساله‌ای به نام «حرف غریب» دارد. در این رساله، ایجاد امنیت در ایران را برای به کار انداختن سرمایه‌های شخصی، استعداد مالی، جانی و ایجاد مراکز صنعتی لازم می‌داند. ملکم به طور کلی نقش دولت را در فعالیت‌های اقتصادی و در فراهم آوردن وسایل ایمنی و ایجاد محیطی مساعد می‌داند که در آنجا انسانها بتوانند با اطمینان، سرمایه‌ی خود را در کارهای اقتصادی به کار اندازند (نورایی، همان: ۸۳). زیرا میرزا ملکم خان، اولین شرط فعالیت اقتصادی، تکثیر و تحرک سرمایه را در ایجاد امنیت اجتماعی می‌داند.

ملکم در مورد تجارت، معتقد است، قدرت دولت یعنی کثرت امتعه و تکثیر امتعه و تجارت لازم و ملزوم یکدیگرند. هر مملکتی تجارت زیاد دارد یعنی آن مملکت زیاد علم و صنایع دارد. ملکم در مورد تجارت معتقد است: «هر دولتی که ممالک خود را آباد و تجارت دنیا را زیاد بکند، ملل فرنگستان به حکم مصلحت خود مجبوراً دوست و حامی آن دولت هستند» (ربیع زاده، ۱۳۲۵، به نقل از رساله اصول تمدن: ۲۸).

ملکم، معتقد بود که با توسعه تجارت داخلی و خارجی می‌توان وسایل احیاء و ترقی مملکت را فراهم ساخت (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۵۱). در نظر ملکم خان عوامل قدرت تولید کالا و تجارت، عبارتند از: اسباب طبیعی مانند آب، خاک، آفتاب، دوم کار، سوم سرمایه. وی معتقد است تا این قوای طبیعی و آدم‌های کارکن با سرمایه جمع نشوند، حصول امتعه ممکن نخواهد بود. در ایران دو عامل اول موجود است، اما چون سرمایه ندارند، جمیع نعمات طبیعی و قوای بشری ایران، بی‌فایده و بی‌مصرف مانده است. ملکم معتقد است، باید حواس خود را صرف تحقیق علوم مالیه فرنگستان بکنم تا سرمایه کسب کنیم (نورایی، همان: ۸۶). ملکم می‌گوید، پول یک ملک مانند خون بدن یک انسان است که باید به سرعت در گردش باشد. اما در ایران، علاوه بر اینکه خیلی کم است، آن مقدار کم هم، بی‌حرکت و منجمد است. به همین خاطر باید سرمایه ایران زیاد و تداول آن را آسان کرد؛ لذا از بانک صحبت می‌کند. در اینجا ملکم سلطه استعمار را در کشورهای ضعیف، برای استقرار امنیت و ایجاد مشتری برای کالای خود تفسیر و توجیه می‌کند.

ملکم، در راستای همین تفکر می‌گوید، باید از کمپانی‌ها و مشاورین خارجی دعوت کرد و به آنها امتیازات دولتی داد و آنها را تشویق به ایجاد راه آهن، بانک و کارهای عمومی دیگر کرد. او خیال می‌کرد که اگر دولت ایران در کار امتیازات هر اشتباهی بکند، صدمتبه بهتر از آن خواهد بود مثل ایام گذشته بیکار بنشینم و منتظر باشیم که ملائکه آسمان‌ها بیایند، از برای ما کار کنند (الگار، ۱۳۶۹: ۲۴۹). ملکم برای رشد تجاری صنعتی، چاره کار را در این می‌دید که باید از مدیران، مشاوران و کمپانی‌های خارجی کمک گرفت و انجام امور را بدست آنها سپرد. البته ملکم به سبب تجربه تلخی که از قرض‌های دولتی زمان مظفرالدین شاه ملاحظه کرده بود، از آن انتقاد می‌کند و

قرض گرفتن از کشورهای خارجی را سبب دخالت بیگانگان در امور مالی و سیاسی تلقی می‌کند و آن را عامل خرابی دستگاه دولت می‌داند.

در نتیجه باید گفت، ملکم توری اقتصاد سیاسی را مطرح می‌کند ولی در ارایه آن ناموفق است و برنامه‌های توسعه او در زمینه سرمایه‌گذاری، بانکداری و کنترل دولت بر امنیت و تجارت، آگاهانه یا غیرآگاهانه به توجیه استعمار در ایران منتهی شد.

عامل دیگر در نظر ملکم خان برای آبادی و پیشرفت اقتصادی، به کار انداختن سرمایه خارجی است. او از دستگاه شراکت یا کمپانی صحبت می‌کند و معتقد است، تشکیل کمپانی ایرانی در آن زمان امکان‌پذیر نیست، لذا باید به کمپانی‌های خارجی امتیازات دولتی داد. ملکم در رساله دفتر تنظیماتش، پیشنهاد تشکیل بانک را به دولت ارائه می‌دهد اما در این راه موفق نمی‌شود. زیرا هیچ یک از سرمایه‌داران، رجال و شاهزادگان ثروتمند حاضر به سرمایه‌گذاری در بانک نشدند و در خزانه دولت هم پول کافی برای انجام این امر مهم نبود. ملکم تأسیس بانک را از سال ۱۲۸۳ هـ.ق دنبال کرد و همواره ایجاد بانک را مایه احیاء و ترقی کشور می‌دانست. وی بانک را سرچشمه ثروت ملل و محرک تجارت و آبادی مملکت می‌دانست ولی به دلایل ذکر شده موفق نشد.

یکی از دلایل اصلی شکست تفکر اقتصادی ملکم همانند تفکر سیاسی اش، تناقض اندیشه‌های اقتصادی جدیدش با شرایط اقتصادی ایران بود. او اصول اقتصادی جدید غربی را به طور ناقص و پراکنده أخذ کرد، بدون اینکه با شرایط اقتصادی ایران تطبیق دهد. او بدون پیش زمینه‌ی اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی ایران، خواهان رشد سریع و عجولانه تجاری و صنعتی ایران بود که عملاً نه تنها این گونه نشد، بلکه تفکر او عامدانه یا غیرعمد، در خدمت کشورهای صنعتی و به ضرر ایران درآمد.

۴- تحلیلی بر تفکرات اقتصادی میرزاملکم خان در راستای توجیه استعمار

همان گونه که در نوشتار بالا ذکر شد، میرزا ملکم خان پیرو، تفکر آزادی رقابت اقتصادی بود و آن را یکی از راههای ترقی و رشد صنعتی کشور ایران می‌دانست؛ در حالی که این روش برای کشورهای توسعه نیافته مانند ایران عصر قاجار همانند سمی برای اقتصاد سنتی آن بود. ملکم با این گونه تفکر بدون عنوان کردن مشکلات آن، از حدود ملی فراتر رفته و با عمومیت دادن آن، در واقع راه غریبان را به ایران هموار کرد و حتی خود بهره‌ی شخصی برد. شاید به نظر مجتهدی، میرزا ملکم خان نوعی دلال بود که بین افکار و زندگی او رابطه وجود داشته است (مجتهدی، ۱۳۵۷، شماره‌های ۳ و ۴: ۲۱۹).

ملکم در رساله اصول ترقی توضیح می‌دهد: «آبادی یک ملک بسته به مقدار امتعه ای است که در آن ملک به عمل می‌آورند. این راز را دول آسیایی هرگز در نیافته‌اند و فقیرند، اما در دول فرنگستان در دنیا هیچ مقصود و هیچ مأموریتی ندارند به جز اینکه به هر نوع تدبیر و به هر قسم اجتهاد، امتعه ممالک خود را زیاد نمایند» (رساله اصول ترقی، بی تا: ۱۶۹-۱۷۱). اگرچه ملکم با حیرت و شگفتی از قدرت تولید امتعه انگلیسی و فرانسه یاد می‌کند و جهانگیری اروپاییان را به

درستی معلول خواست دیگری یعنی جستجو و حفظ بازار جدید برای فروش کالا می‌داند اما روی دیگر سکه یعنی تحصیل و تأمین مواد خام را نمی‌بیند (منصور بخت، ۱۳۸۴: ۳۱۴).

همچنین ملکم در تفکر اقتصادی خود به امنیت اجتماعی و تجارت اهمیت زیاد می‌دهد و آنها را لازمه رشد سرمایه و تکثیر کالا صنعتی می‌داند. ملکم در همین راستا، در رساله «اصول ترقی» تعرض مغرب زمین و استعمار آنها را توجیه می‌کند. او معتقد است: «دول اروپایی بواسطه عدم امنیت جانی و مالی، ضبط و تصرف کل ممالک آسیا را حق آسمانی و وظیفه خود می‌دانند. اینکه دولت های اروپایی در آسیا و افریقا و دیگر نقاط، با همه‌ی حرص و شدت، مملکت تازه پیدا و ضبط می‌کنند، هیچ مقصود و فایده‌ای ندارد، مگر اینکه با استقرار امنیت و باز کردن بنادر و افزایش آبادی آن ممالک، برای کالاهای خود مشتری تازه پیدا کنند» (رساله اصول ترقی، بی تا: ۱۶۹ - ۱۷۱). ملکم در رساله «اصول تمدن» باز هم استعمار را به صراحت توجیه می‌کند و می‌نویسد «دول فرنگستان در ضمن این اقدامات گاهی مجبور می‌شود که بعضی از ممالک خارج را تصرف کنند. مقصود ایشان در این تصرفات به هیچ وجه مملکت گیری نیست، مقصود اصل ایشان فقط کسب منافع تجاری است. از برای اثبات این معنی یک نکته کافی است که مالیات اغلب ممالک خارجه که دول فرنگستان در تصرف خود دارند، کفایت خرج محافظت و اداره‌ی این ممالک را نمی‌کند. از مالیات هند یک دینار عاید خزانه انگلیس نمی‌شود» (ربیع زاده، به نقل از رساله اصول تمدن، ۱۳۲۵: ۲۹).

ملکم خان مجبور است براساس تفکرات رقابت اقتصادی آزاد یا لیبرالیسم غربی این گونه هجوم غرب در مستعمراتش را توجیه کند. در حالی که می‌دانیم آمدن انگلیس در هند چه ضررهای برای آن ملت داشته است. ملکم افزایش تجارت در ایران را عامل رشد اقتصادی می‌داند، در همین راستا، معاهدات و عهدنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران را توجیه می‌کند و هدف آنها را برقراری ارتباط تجاری می‌داند. او هدف ملل اروپایی را در هر نقطه‌ای، توسعه تجارت و کسب منافع مادی می‌داند (نورایی، همان: ۸۴). به نوعی نظر ملکم در مورد امنیت اجتماعی و تجارت، از لحاظ تئوری اقتصادی درست است ولی سعی دارد با کمک آنها برداشتهای سیاسی بگیرد. این مسئله شاید ناشی از عدم برداشت درست وی از اصول توسعه اقتصادی باشد. به عبارتی خوش بینی مفرط ملکم و شیفتگی او نسبت به اصول لیبرالیسم اقتصادی چندان شدت و حدتی دارد که گویی گذار مکتب ممالک آسیایی را از فقر و ویرانی و عقب ماندگی به آبادانی و ترقی اروپایی به وضوح مشاهده کرده است (منصور بخت، همان: ۳۱۵).

یکی دیگر از راه‌های رشد و ترقی اقتصادی در نظر ملکم، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی است. ملکم معتقد است که باید از کمپانی‌ها و مشاورین خارجی دعوت کرد و به آنها امتیازات دولتی داد. او فکر می‌کرد اگر دولت ایران در امتیازدهی، هر اشتباهی بکند، بهتر از این است که بیکار بنشینیم و منتظر باشیم که ملائکه از آسمان برای ما کاری بکنند (نورایی، همان: ۳-۹۲). ظاهراً به نظر ملکم توجه بریتانیا به خوزستان، یک گام مطلوب در جهت شرکت کاملتر آن کشور در امور

ایران و تعهد تام و تمام در قبال تشویق و توسعه اصلاحات تلقی می‌گردد. به نظر خانم نورایی، عجیب نیست که تشابه زیادی بین مقالات «اصول تمدن» و «حرف غریب» ملکم با مکاتبات و القاءات انگلیس به مقامات ایرانی، برای گشودن کشتیرانی کارون وجود داشته باشد (همان: ۱۴۵). ملکم خان چاره کار را در این می‌دید که باید از مدیران و مشاوران خارجی کمک خواست و کارها را بدست آنها سپرد. لذا دفاع ملکم خان براساس تفکر لیبرالی از سیستم تجارت آزاد، از نظر منافع کشورهای مانند ایران ناموجه می‌باشد. گویی ملکم آرمان طبقه حاکم و بورژوازی اروپایی را گرفته و با رواج آن در ایران می‌خواست برای سودجویانه این طبقه راهی را باز کند. فرمول ملکم مبنی بر دادن امتیاز بی‌حد و حصر به کمپانی‌های خارجی فقط به تحکیم استعمار اقتصادی و تشدید قیود سیاسی منتهی می‌گردد.

در روزنامه «قانون»، نظر ملکم خان درباره ی امتیازات همانند تفکرات سیاسی‌اش، با توجه به اینکه از کلیه مقام معزول و دچار یأس و ناامیدی شده بود، ظاهراً عوض می‌شود، تا جای که در شماره ۱۷ روزنامه صراحتاً دادن امتیاز را مورد انتقاد قرار می‌دهد و امنیت جانی و مالی را در راستای قوانین اسلامی مطرح می‌کند (ملکم، ۱۳۶۹: ۴). اما باید تمام این مطلب را برای پر رونق و مؤثر کردن روزنامه قانون دانست که لحن انتقادی و سیاسی داشت. در نتیجه همان گونه که طرد کردن شخصیت ملکم مشکل است، پذیرفتن افکار او هم مشکل‌تر می‌باشد. اما زندگی‌نامه ملکم را باید همیشه به عنوان وسیله‌ای برای شناخت نیت او از نوشته‌هایش در نظر گرفت.

ملکم ضمن اینکه نسخه‌ی مرکانتلیسم را به عنوان نسخه‌ی مؤثری برای رشد پیشنهاد می‌کند اما اجرای آن را در ایران محال می‌داند و رمز آن را در تأسیس بانک و کمپانی می‌شناسد. ملکم وقتی به انگلیس می‌رسد، پیشرفت آن را با افزایش بانک و کمپانی می‌داند، اما وقتی به ایران می‌رسد، معتقد است که پیشرفت امکان ندارد، مگر اینکه بانک و کمپانی را از انگلیس وارد کنیم. لذا تفکر اقتصادی او همانند تفکر سیاسی‌اش متناقض است.

نتیجه

تفکرات میرزا ملکم خان تحت تأثیر مکاتب سیاسی، اقتصادی و علمی اروپای قرن هیجدهم و نوزدهم بود لذا نظرات ضد و نقیضی در افکار سیاسی و اقتصادی او دیده می‌شود. وی در رساله‌های اولیه خود، لزوم اقتباس شیوه حکمرانی غربی را بدون کمترین تصرف به شاه و دولتمردان تزویج می‌کند، اما بعد به صراحت از این اصول خارج می‌شود. شاید ملکم خان بر آن بود که اصول مدنیت غربی را با اسلام یکسان جلوه دهد و بتدریج ایران را به سوی آن بکشاند. ملکم فکر می‌کرد با حرمت نهادن به مجتهدین و همسان جلوه دادن ارزش‌های اسلامی با غربی، می‌تواند اندیشه قانون خواهی و نظم مدنیت غرب را در ایران گسترش دهد و ایران را به سوی ترقی و رشد سوق دهد. اما همین شخص بعد از طی حوادث‌های مختلف در زندگی شخصی خود، به چرخش اساسی در تفکرش روی می‌آورد.

تفکر اقتصادی ملکم همانند تفکر سیاسی‌اش، از اندیشه‌های عصر روشنگری قرن هیجدهم و اصول لیبرالیسم قرن نوزدهم اروپا سرچشمه می‌گرفت. وی به سرمایه‌گذاری خصوصی، اقتصاد آزاد و رقابت باز تجاری و تشکیل بانک در توسعه اقتصادی کشور معتقد بود. در حالی که شرایط اقتصادی ایران، با چنین تفکرات باز اقتصادی لیبرالیسم سازگار نبود و در نهایت به ضرر صنایع ملی و بومی ایران و به نفع استعمار و کشورهای پیشرفته طرفدار این اقتصاد تمام می‌شد.

شاید ملکم براساس تفکر لیبرالیسم اقتصادی خود، آرمان طبقه بورژوا و حاکم اروپایی را در ایران، برای سودجوی آنها و منافع شخصی خود دنبال می‌کرد. چرا که در مورد ایران معتقد است برای پیشرفت حتماً باید بانک و کمپانی‌های سرمایه‌داری خارجی را وارد کرد و خودش دلال و واسط این کار بود. لذا تفکر اقتصادی او همانند تفکر سیاسی‌اش دچار تناقض بود و به نوعی روشنفکری در شخصیت او عقیم است؛ هر چند طرد کردن شخصیت وی، همانند پذیرفتن افکارش مشکل می‌باشد.

منابع

- آدمیت، فریدون، (۱۳۵۵)، «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران»، جلد نخستین، تهران، پیام، چاپ اول.
- _____، _____، (۱۳۵۶)، «اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار»، تهران، خوارزمی، چاپ دوم.
- _____، _____، (۱۳۵۷)، «اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی»، تهران، پیام، چاپ دوم.
- _____، _____، (۱۳۴۰)، «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت»، تهران، سخن.
- الگار، حامد، (۱۳۶۹)، «قانون میرزاملکم خان»، ترجمه: متن جهانگیر عظیمی، ترجمه حواشی مجید تفرشی، تهران، مدرس، چاپ اول.
- _____، _____، (۱۳۶۹)، «الف»، «دین و دولت در ایران-نقش عالمان در دوره ی قاجار» ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، توس.
- آجودانی، ماشاءالله، (۱۳۸۲)، «مشروطه ایرانی»، تهران، اختران، چاپ اول.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، «المآثر والآثار»، ج ۱، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳.
- امین الدوله، علی اصغر خان، (۱۳۷۰)، «خاطرات سیاسی امین الدوله»، کوشش حافظ فرمانفرمایان، زیر نظر ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۴)، «تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- _____، _____، (۱۳۶۸)، «تاریخ جنبش‌ها و تکاپوی فراماسونگری در کشورهای اسلامی»، مشهد، آستانه قدس رضوی.

- رائین، اسماعیل، (۱۳۵۳)، «میرزاملکم خان (زندگی و کوشش‌های سیاسی او)»، تهران، فرانکلین، چاپ دوم.
- ربیع زاده، هاشم، (۱۳۲۵)، «کلیات میرزا ملکم خان»، تهران، مطبوعه مجلس.
- رحمانیان، داریوش، (۱۳۸۸)، «تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجاریه»، تهران، پیام نور، چاپ اول.
- رضوانی، محمداسماعیل، (۱۳۵۶)، «انقلاب مشروطیت ایران»، تهران، فرانکلین، چاپ سوم.
- مجتهدی، کریم، (۱۳۵۷)، «میرزاملکم خان و اصول نظری نظام پیشنهادی او»، مجله راهنمای کتاب فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۷، سال بیست و یکم، شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴.
- مجتهدی، کریم، «اصلاحات به قرائت میرزا ملکم خان»، فصلنامه نقد کتاب، شماره ۱۶، بهار ۷۹، سایت تبیان، <http://library.tebyan.net>.
- میرزاملکم خان، (۱۳۶۹)، «روزنامه قانون»، تهران، کویر.
- میرزا ملکم خان، (بی تا)، «رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله»، گردآوری و مقدمه از حجت ...اصیل، تهران، نی.
- محیط طباطبایی، سیدمحمد، (۱۳۳۷)، مجموعه آثار میرزا ملکم خان، تهران، کتابفروشی تهران.
- منصوربخت، قباد، (۱۳۸۴)، «زمینه‌های فکری مشروطیت، راهکارجدید در سیاست تفکر یا توهم، نمونه موردی ملکم خان»، مجموعه مقالات همایش بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت همایش یکصدمین سالگرد مشروطیت دردانشگاه تهران ۸۲، موسسه تحقیقات و توسعه دانشگاه تهران.
- موید دادخواه، کامران، «گذار از اندیشه لیبرال به اقتصاد دولتی»، مهرنامه، شماره ۳، خرداد، ۱۳۸۹ <http://www.mehrnameh.ir/article/645>.
- ناطق، هما، (۱۳۵۵)، «قانون»، تهران، امیرکبیر.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد، (۱۳۷۱)، «بیداری ایرانیان»، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- نورایی، فرشته، (۱۳۵۲)، «تحقیق در افکار میرزاملکم خان ناظم الدوله»، تهران، فرانکلین، چاپ اول، شماره ۲۸.
- وحدت، فرزین، (۱۳۸۲)، «رویاریوی فکر ایران با مدرنیت»، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.